

چکیده

در مقاله حاضر، ابتدا تاریخچه پیدایش و توسعه تاریخ ادبیات روسیه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تاریخ پیدایش ادبیات روسیه به اواخر قرن دهم، یعنی به زمان پذیرش مذهب مسیحیت به عنوان مذهب رسمی و دولتی روسیه برمی‌گردد. سپس سبک‌ها و آثار اولیه ادبیات روسیه باستان و همچنین موضوعات آنها بررسی می‌شوند. به رایج بودن سبک‌هایی مانند سالنامه‌نویسی، پندنامه‌نویسی، حکایت و سفرنامه‌نویسی نیز اشاره شده است، همچنین به صورت اجمالی، به ویژگی‌های آثاری مانند داستان سال‌های گذشته و کلامی در مورد هنگ ایگور پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

تاریخ ادبیات، روسیه باستان، آثار، سبک‌ها، موضوعات

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «تحلیلی بر آموزش ادبیات روسی از آغاز تا قرن بیستم»، شماره ۳۶۳/۱/۴۶۸ است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

ادبیات روسیه قدمتی در خور توجه دارد و یکی از غنی‌ترین ادبیات جهان است. ریشه پیدایش آن به نیمه دوم قرن دهم میلادی برمی‌گردد. پیدایش ادبیات در روسیه ارتباط مستقیمی با پیدایش مذهب مسیحیت دارد. اکثر قریب به اتفاق محققان روسی معتقدند که خط، و در پی آن ادبیات، با مذهب وارد روسیه شدند. اما تعداد محدودی از آنها بر این باورند که خط قبل از پذیرش مذهب در روسیه وجود داشته است. اینان در تأیید نظریه خود به این مطلب اشاره می‌کنند که «در سال ۱۹۴۹ در اطراف اسمالنسک^۱ هنگام کاوش‌های باستان‌شناسی، ظروفی را با رونوشت پیدا کردند که مربوط به اوایل قرن دهم بود، این یافته‌ها بیانگر آنند که خط قبل از مسیحیت در روسیه وجود داشته است. این گروه، همچنین یادآور می‌شوند که روسیه در اوایل قرن دهم، قراردادی را با دولت بیزانته^۲ منعقد نموده بود که کپی آن به زبان اسلاوی^۳ موجود است» (ساخاروف^۴، ۱۹۹۹، صص ۱۳۲-۱۳۳).

بحث و بررسی

تاریخ شکل‌گیری اولین حکومت در روسیه، به قرن نهم میلادی برمی‌گردد. مدت زیادی بود که هیچ سندی در باره شکل‌گیری حکومت در روسیه وجود نداشت، تا این که «در سال ۱۸۹۲ یکی از خاورشناسان به هنگام جستجوی کتاب‌های قرون وسطی در بخارا^۵، دست‌نوشته‌ای را به زبان فارسی پیدا کرد که حاوی اطلاعات بسیار جالبی در مورد روسیه اوایل قرن نهم میلادی بود» (ریباکوف^۱، ۱۹۹۱، ص ۴۵). البته اولین یادآوری در مورد روسیه، به قبل از قرن نهم میلادی یعنی در فاصله بین قرن پنجم تا هفتم میلادی برمی‌گردد: «در فاصله بین قرن پنجم و هفتم اولین بار یونانیان بودند که از قوم روس و ... به عنوان یکی از اقوامی که در کنار رود دنیپر^۲ زندگی می‌کنند، یادآوری کردند (ساخاروف^۳، ۱۹۹۹، ص ۳۴).

سعید نفیسی در کتاب *تاریخ ادبیات روسی* می‌نویسد: قدیمی‌ترین اثری که از دولت اسلاو در تاریخ مانده، مربوط به دوران ریوریک^۴ امیر اسلاوهاست که در اواسط قرن نهم میلادی می‌زیسته و مرکز حکمرانی او شهر نوگورود^۵ بوده است.

نفیسی در مورد چگونگی پیدایش و گسترش نژاد روس (اسلاو) می‌نویسد: «در این زمان، اسلاوها از شمال و جنوب در میان دو نژاد بیگانه محصور بوده‌اند. از شمال فنلاندی‌ها تا نزدیک نوگورود را گرفته و مشرق روسیه را متصرف شده و در آنجا با ترکان همسایه شده بودند و تنها یک پنجم روسیه امروز در دست اسلاوها بود. بزرگترین ویژگی نژاد اسلاو در تاریخ، سرعتی است که آنان در انتشار و گسترش قلمرو خود داشته، نژادهای همسایه را تحلیل

1- Смоленск

2- Византия

3- Славян

4- Сахаров

5- Бухаре

1- Рыбаков

2- Днепр

3- Рюрик

4- Новгород

از طرف جنوب و مشرق اسلاوها با طوايف ترك همسايه بوده‌اند و نزديك به هفتصد سال اين قبائل ترك بودند که بر آنها برتري داشته‌اند. در اين مدت، از شمال کوه‌هاي قفقاز گرفته تا ساحل باخترى دريای خزر در دستشان بوده، با ايران همسايه بوده‌اند و هميشه از راه دريند و داربال به ايران مي‌تاخته‌اند. اين قبائل ترك به نژادها و تيره‌هاي متعدد منقسم بوده‌اند. معروف‌ترين آنها همان طايفه معروف خزر بوده است که مدت‌ها دانشمندان در اصل آنها شك داشته‌اند، اما اينک ترديدي نيست که آنان از نژاد ترك بوده‌اند و مانعي که براي تجاوز به خاک ايران داشته‌اند، رشته کوه‌هاي قفقاز بوده است. نام دريای خزر بدان جهت است که ايشان در ساحل غربي آن ساکن بوده‌اند.

اين خيل ترکان که براي شناخت و تشخيص آنان از ديگر ترکان که در خاور درياچه خزر مي‌زيسته‌اند به ترکان غربي شهره‌اند، به طوايف بسياري تقسيم مي‌شده‌اند که معروف‌ترين آنها طايفه پچنگ بوده است.» (نفيسي ۱۳۶۷، صص ۷-۸)

نفيسي در مورد سرنوشت بعدي اقوام ترك ساکن روسيه و چگونگي فائق آمدن اسلاوها بر آنان مي‌نويسد: «سرانجام در قرن هفتم هجري که جنگجويان مغول به روسيه تاختند اين ترکان غربي را نابود کردند. و سپس که از روسيه رفتند اسلاوها از ناتواني ايشان بهره‌مند شدند و ايشان را رانده‌اند. چنان‌که عده‌اي از {آنان از} کوه‌هاي قفقاز گذشته به خاک ايران آمدند و عده‌اي {نيز} به ترکیه امروز و شبه جزيره کریمه و کشورهای بالکان و حتي در اروپاي شرقي پناهنده شدند. و عده‌اي {هم} که در جاي خود مانده‌اند، تاتارها و داغستاني‌هاي امروزاند» (نفيسي ۱۳۶۷، ص ۸)

در نيمه دوم قرن دهم ميلادي، در دوران حکومت ولاديمير سوياتاسلاويچ^۱ بود که روسيه مذهب مسيحيت را پذيرفت و به دنبال آن بود که خط و نوشتار وارد روسيه شد. در اينجا پذيرش مسيحيت به عنوان دين رسمي و دولتي روسيه مد نظر است. قبل از قرن دهم ميلادي در روسيه مسيحيت به عنوان دين اقليت وجود داشت، «اولين بار در قرن نهم دو بار شاهزادگان تلاش کردند تا روسيه را به مسيحيت نزديک کنند که تلاش‌هاي آنان با عکس‌العمل شديد بت‌پرستان روبرو شد.» (ساخاروف ۱۹۹۹، ص ۵۸) در اواخر قرن دهم «برادران سيريل^۲ و مفودي^۳ مبلغان مسيحي مقدونيه که خود را وقف مسيحي کردن کشورهای بت‌پرست اسلاو نموده بودند، براي اسلاو‌هاي غربي حروف الفبای گلاگوليتسا^۱ و براي اسلاو‌هاي شرقي شکل ديگري از همين حروف را ساختند که سيريليتسا^۲ نام دارد. اسم اين حروف الفبا از نام يکي از برادران يعني سيريل گرفته شده است. هر دو شکل اين الفبا براساس حروف الفبای يوناني ساخته شده است و تا به امروز هم به همين صورت ناميده مي‌شود.» (کاچورين^۳ ۱۹۹۵، صص ۱۱-۱۲). لازم به يادآوري است که آنها پايه و بن‌مايه حروف الفبای روسيه

1- Владимир Святославич

2- Апокрифы

3- Мефодий

1- Глаголица

2- Кирилица

3- Качурин

جدول حروف الفبای سیریلینسا، گلاگولیتسا و روسی معاصر براساس کتاب تاریخ

اتحاد جماهیر شوروی (ریباکوف ۱۹۹۱، ص ۵۲-۵۳)

حروف الفبای معاصر روسیه حروف	А	Б	В	Г	Д	Е	Ж	З	И	І	К	Л	М	Н	О	П	Р	С	Т	У	Ф	Х	Ц	Ч	Ш	Щ	Ъ	Ы	Ь	Э	Ю	Я	Е"	Ѡ	ѡ	Ѣ	ѣ	Ѥ	ѥ	Ѧ	ѧ	Ѩ	ѩ								
حروف الفبای گلاگولید ستا	А	Б	В	Г	Д	Е	Ж	З	И	І	К	Л	М	Н	О	П	Р	С	Т	У	Ф	Х	Ц	Ч	Ш	Щ	Ъ	Ы	Ь	Ѡ	ѡ	Ѣ	ѣ	Ѥ	ѥ	Ѧ	ѧ	Ѩ	ѩ	Ѫ	ѫ	Ѭ	ѭ	Ѯ	ѯ	Ѱ	ѱ	Ѳ	ѳ	Ѵ	ѵ

در ضمن باید خاطرنشان کرد که «پذیرش دین مسیحیت از لحاظ تاریخی برای روسیه اهمیت زیادی داشت، مذهب مسیحیت با تبلیغ خدای واحد موجب تقویت دولت واحد روسیه نیز شد و از لحاظ ظاهری هم روسیه با دیگر کشورهای اروپایی که قبلاً مسیحیت را پذیرفته بودند، برابر شد.» (ریباکوف ۱۹۹۱، ص ۵۴) صومعه‌ها و دیرها تبدیل به اولین کانون‌های چاپ کتاب شدند. مبلغان مسیحی قبل از هرچیز انجیل را ترجمه کردند، «انجیل کلید دستیابی به ارزش‌های فرهنگ اروپاست. انجیل تأثیر زیادی در توسعه ادبیات، خصوصاً ادبیات قرون وسطی داشت. هم‌زمان با انجیل و تورات کتاب‌های مذهبی آپاکریف (کلمه آپاکریف در زبان یونانی به معنی "پنهانی" و "مخفی" است. کتاب‌هایی را که بعضی از موضوعات تورات و انجیل را گسترش و تکمیل کردند، ولی جزء آنها نبودند را این‌گونه می‌نامیدند. علت این‌که آنها را مخفی می‌نامیدند مختلف است: بعضی از این آثار را به خاطر این‌که نویسنده و ریشه پیدایش آنها مشخص نبود این‌گونه می‌نامیدند؛ برخی دیگر را به دلیل این‌که کلیساها آنها را ممنوع کرده بودند، پنهان می‌کردند تا نابود نشود؛ بعضی از این آثار جزء کتاب‌های ممنوعه بودند؛ برخی دیگر نه تنها ممنوع نبودند، بلکه در کنار دیگر آثار فیلسوفان و مقدسان مسیحی قرائت می‌شدند) هم در روسیه پیدا شدند. این آثار حاوی اسطوره‌ها، افسانه‌ها و قصه‌های اسرارآمیزی در مورد پیدایش جهان، بهشت، جهنم و اولین انسان‌ها است که در کتب مقدسه نبوده است.» (دایره‌المعارف ادبیات روسیه ۲۰۰۲، صص ۱۴۳-۱۴۹) همه محققان ادبیات روسیه باستان در این باره اتفاق نظر دارند که پذیرش دین مسیحیت به گسترش و توسعه نوشتار در روسیه تحریک خاصی بخشید و «ضرورت ترجمه کتاب‌های مسیحی، از جمله انجیل، نقش مهمی در پیدایش خط اسلاوی داشت.» (دایره‌المعارف ادبیات روسیه ۲۰۰۲، ص ۱۴۶).

در زمان حکومت یاراسلاو مودری^۱ و فرزندانش، باسوادان کلیساها و همچنین مترجمانی از بیزانته، بلغارستان و صربستان در صومعه‌ها به ترجمه کتاب‌هایی از زبان‌های یونانی و بلغاری پرداختند. به همین دلیل آثار اولیه ادبیات روسیه، دارای محتوای مذهبی و اخلاقی-آموزشی است و به طور جدی در خدمت نیازهای والای روحانی و معنوی انسان است. البته در اینجا ادبیات کتبی روسیه مد نظر است که ریشه پیدایش آن در روسیه به اواخر قرن دهم میلادی می‌رسد، تا آنجایی که ما می‌دانیم زمان پیدایش ترانه، رقص و پاکوبی (ادبیات شفاهی)، به

خیلی زودتر از این دوران برمی‌گردد و در طول تاریخ همیشه در زندگی بشر بوده است. ادبیات شفاهی در ادبیات هر ملتی وجود دارد و ادبیات روسیه نیز از آن مستثنی نیست. ادبیات شفاهی روسیه بسیار غنی و دارای سبک‌های متنوعی مانند ترانه^۱، قصه^۲، افسانه^۳، داستان حماسی^۴، ضرب‌المثل^۵، معما^۶ و رباعیات ملی^۷ است. در این آثار جهان‌بینی و نظام فکری مردم روسیه و همچنین مسائل مختلف زندگی آنان مانند رشادت‌ها، پهلوانی‌ها، دفاع از وطن و امور جاری زندگی روزمره‌شان مانند عروسی، تجارت، رقابت و سفر انعکاس یافته است. این آثار نه تنها جنبه سرگرم کننده، بلکه حالت آموزشی هم داشته و در آن‌ها سعی شده است، چگونه زیستن را به شنوندگان بیاموزند.

ادبیات روسیه باستان پایه و بن‌مایه ادبیات معاصر است. دیمیتری لیخاچف^۸ محقق بزرگ ادبیات روسیه باستان می‌نویسد:

«حس حیرت‌انگیز مسئولیت اجتماعی که از ویژگی‌های ادبیات دوران جدید است، در ادبیات روسیه باستان شکل گرفته است. در ادبیات روسیه باستان یک دید عمیق و گسترده نسبت به جهان هستی به وجود آمده است که این مشخصه، یکی از ویژگی‌های ادبیات قرن نوزده نیز می‌باشد.» (کوردیومووا^۹ ۱۹۹۹، ص ۲۳).

ادبیات کهن روسیه از ویژگی‌های بخصوصی نیز برخوردار است، شاید برای فردی که علاقه‌مند نیست، دلگیر و خسته کننده هم باشد، زیرا در یک سلسله آثار، توصیفات تکراری به وفور دیده می‌شود. علاوه بر این، در برخی موارد، حتی این احتمال وجود دارد که یک اثر چند نویسنده داشته باشد، چون‌که در آن موقع کتاب‌ها دست‌نویس بودند و کاتبان به راحتی می‌توانستند بعضی از قسمت‌های ناخوشایندشان و مطالبی را که باب میل آنان نبود، حذف و آن چه را که به نظرشان مهم می‌آمد، به متن کتاب بیافزایند...

یکی دیگر از ویژگی‌های ادبیات روسیه باستان این بود که نویسندگان به توصیف زندگی شخصی افراد نمی‌پرداخت. نویسندگان روسیه باستان در آثار خود مسائل و موضوعات زندگی شخصی افراد را منعکس نمی‌کردند، آن‌ها به توصیف مسائل و مشکلات وطنشان و همچنین حوادث و وقایع تاریخی علاقه‌مند بودند. در این‌جا فقط نوع «حکایت»^۱ مستثنی است که در آن زندگی و فعالیت‌های شخصیت‌های بزرگ و ایده‌آل مذهبی وصف می‌شد، شخصیت‌ها و افرادی که در زمره مقدسان بودند و پاک‌ی اخلاقی آن‌ها برای یک جامعه معنوی الگو و نمونه بود.

مطلب مهم دیگری که در مورد ادبیات روسیه باستان باید اشاره نمود، این است که تخیل

-
- 1- Песня
 - 2- Сказка
 - 3- Легенда
 - 4- Былина
 - 5- Пословица и поговорка
 - 6- Загадка
 - 7- Частушка
 - 8- Лихачев
 - 9- Курдюмова
 - 1- Жития

در آن نقش مهمی نداشت. نویسندگان آثار این دوره، وقایع و حوادث واقعی و یا آن حوادثی را که اتفاق نیافتاده، ولی مصرانه بدان‌ها باور داشتند، توصیف می‌کردند. ضمناً در ادبیات روسیه باستان تا قرن هفدهم اسامی شرطی و غیرواقعی وجود نداشت، اسامی شخصیت‌های آثار، مستند و تاریخی‌اند.

سبک‌های آثار ادبی روسیه باستان، با توجه به موقعیت و شرایط اجتماعی و همچنین نوع موضوعات مورد بحث تعیین می‌گردیدند. «حکایت» از سبک‌های اولیه ادبیات روسیه باستان است که در آنها زندگی افراد برجسته مذهبی و دولت‌مردان بزرگی که از نظر کلیسا مقدس بودند، توصیف می‌شدند. به عنوان نمونه می‌توان به اثر «روایتی در مورد بوریس و گلب^۱» اشاره کرد.

موضوعات آثار روسیه باستان معمولاً پیرامون مسائلی‌اند که روسیه در آن زمان از آن‌ها رنج می‌برد. روسیه در ابتدای قرون وسطی از برادرکشی و اختلافات بین شاهزادگان زبان‌های زیادی را متحمل شده بود، به همین دلیل هم همیشه دست‌خوش تهاجمات دشمنان بیگانه بود. موضوع اثر «روایتی در مورد بوریس و گلب» هم با توجه به مسائل فوق درباره عشق ایدال برادری و وفاداری به وطن است.

یکی دیگر از رایج‌ترین و متداول‌ترین سبک‌های ادبیات روسیه باستان «سالنامه‌نویسی»^۲ بوده است. در این سبک درباریان و راهبان دیر معمولاً وقایعی را که خود شاهد آن بودند یادداشت می‌کردند. یکی از قدیمی‌ترین سالنامه‌های ادبیات روسیه باستان «داستان سال‌های گذشته»^۳ است که راهبی به نام نستور^۴ آن را نوشت. این اثر در مورد پیدایش دولت روسیه و ارتباط آن با تاریخ جهان است. نستور در این اثر داستان خود را در مورد پیدایش جهان آغاز می‌کند و جایگاه اسلاوها و روسیه را در تاریخ جهان نشان می‌دهد. سپس در مورد چگونگی به وجود آمدن شهر (پایتخت) کیف^۵ می‌نویسد و حوادث مهم تاریخی و همچنین شخصیت‌های این حوادث را وصف می‌نماید. شاید به نظر برسد که این سالنامه بیشتر شبیه به یک اثر تاریخی است تا ادبی، اما لازم به یادآوری است که به جز ثبت حوادث اتفاق افتاده در یک زمان خاص، سبک‌های دیگری مانند پندنامه‌نویسی^۶، سفرنامه‌نویسی^۷ و حکایت هم در آن هست. نویسندگان نه تنها حوادث تاریخی را تعریف می‌کنند، بلکه سعی می‌کنند آن‌ها را موشکافی کند و علت به وجود آمدن این حوادث را جستجو می‌کند. مثلاً «شکست شاهزادگان در جنگ سال ۱۰۶۶ را در نتیجه خشم خدا می‌داند و دلایل مشخصی را جهت آشکار شدن خشم خدا ذکر می‌نماید» (کوتوزوف^۱، ۱۹۹۸، ص ۵۴). علاوه بر این، سالنامه‌ها حاوی پند و اندرزهای آموزنده بسیاری‌اند. برای مثال در «داستان سال‌های گذشته» بخشی

1- Повесть о Борисе и Глебе

2- Летописание

3- Повесть временных лет

4- Нестор

5- Киев

6- Поучение

7- Хождения

1- Кутузов

تحت عنوان اندرزهاي ولاديمير ماناماخ^۲ است. در اين بخش او به صورت سمبوليك خطاب به فرزندانش مي‌نويسد: «فرزندان من ... هر جا كه مي‌رويد به محتاجان كمك كنيد، فقرا را فراموش نكنيد، به كودكان كمك كنيد، نسبت به بيوه‌ها عادل باشيد و نگذاريد قدرتمندان مردم را نابود كنند. ... مغرور نباشيد، همه ما رفتني (مردني) هستيم، امروز زنده‌ايم ولي فردا در گوريم. همه آن چيزهايي را كه داريم براي مدت كوتاهي به ما داده شده است. ... به پيران مانند پدران و به جوانان مانند برادران احترام كنيد، بيش از همه مهمانان را از هر كجا كه آمده باشند، احترام كنيد» (كاروينا^۳ ۱۹۹۸، صص ۲۶-۲۷).

در سالنامه‌هاي روسيه باستان، نه تنها رشادت‌ها و پهلواني‌هاي شاهزادگان، بلكه كتاب و كتاب‌خواني هم مورد ستايش قرار گرفته است. در «داستان سال‌هاي گذشته» در هنگام مدح و ستايش ياراسلاو مودري يادآوري شد كه او شب و روز مطالعه مي‌كرد و مراكز كتاب در دوران او افزايش يافته بود. در اين اثر مبحثي است تحت عنوان «ستايش شاهزاده ياراسلاو و كتاب»: «فوايد كتاب زياد است. كتاب هدايت كننده است... رودخانه‌پي است كه جهان را سيراب مي‌كند و منبع عقل است... عمق بي‌حدي دارد، با آنها در غم تسلي پيدا مي‌كنيم... اگر با جديت در كتاب‌ها دانش را جستجو كني، حتماً مي‌يابي» (كاروينا ۱۹۹۸، ص ۲۵)

يكي ديگر از ويژگي‌هاي آثار روسي باستان اين است كه نويسندگان آنها مشخص نيستند. تا قبل از قرن هجدهم ميلادي، اكثر آثار به صورت بي‌نام منتشر مي‌شدند. فقط در برخي موارد، به صورت اتفاقي و بر حسب شواهد نويسندگان بعضي از آنها را مي‌شناسيم. يكي از برجسته‌ترين و مشهورترين آثار ادبي روسيه باستان كلامي در مورد هنگ ايگور^۱ است كه در اواخر قرن دوازده ميلادي نوشته شده است. نويسنده اين اثر بزرگ و مهم ادبي هم براي خوانندگان مشخص نيست. ديميتري ليخاچف اين اثر را «كلام طلايي ادبيات روسيه» ناميد (كوردبيومو/ ۱۹۹۹، ص ۱۲). كلامي در مورد هنگ ايگور، حوادث سال ۱۱۸۵ را در برمي‌گيرد. در اين سال شاهزاده ايگور^۲، بدون هماهنگي با قدرت مركزي و پادشاه كيف به قوم پولوتس^۳ حمله مي‌كند و شكست غيرمنتظره‌اي را متحمل مي‌شود، خودش و چندتن ديگر از نزديكانش اسير مي‌شوند. شكست ايگور تبعات بدّي را براي سرزمين روسيه به دنبال داشت. قوم پولوتس پس از اين شكست، به روسيه حمله كرد كه در نتيجه آن سرزمين روسيه مصائب زيادي را متحمل شد. نويسنده در جهت حفظ سرزمين روسيه و نجات ايگور شاهزادگان ديگر را به كمك دعوت مي‌نمايد، اما از آنجايي كه در بين شاهزادگان وحدت و همفكري وجود نداشت، دعوت او پذيرفته نشد. او (نويسنده) با توصيف لشكركشي و شكست ايگور نشان مي‌دهد كه علت شكست لشكر ايگور در نتيجه پراكندي و ناهماهنگي شاهزادگان است، به همين دليل آنان را براي حفظ سرزمين روسيه به وحدت دعوت مي‌نمايد.

2- Владимир Мономах

3- Коровина

1- Слово о полку Игореве

2- Игорьъ

3- Половец

است که از مجموعه قطعات، مقالات و کتاب‌های مختلف مذهبی تشکیل شده به نوعی می‌توان گفت که دایره‌المعارف علوم دینی است. در ضمن باید خاطرنشان کرد که بیشتر این قطعات، ترجمه آثار مذهبی *بیزانته* است. از آنجایی که گزیده مقالات و کتاب‌ها آگاهانه انتخاب می‌شد، به همین دلیل آن‌ها را منتخب می‌نامیدند. «منتخب سال ۱۰۷۳»^۱ و «منتخب سال ۱۰۷۶»^۲ دو اثر برجسته و مهم این شکل ادبی‌اند. *دیمیتری لیخاچف* در مورد نقش و جایگاه «منتخب سال ۱۰۷۶» می‌نویسد که این اثر مانند یک کتابخانه کوچک تخصصی است: «الان هم در کنار کتابخانه‌های بزرگ، کتابخانه‌های کوچک تخصصی مانند: کتابخانه دانش‌آموزان، کتابخانه دانشجویان وجود دارد. «منتخب سال ۱۰۷۶» هم، همان‌طور که اشاره شد، یک کتابخانه کوچک مخصوص به خود است. دایره‌المعارف یا کتاب راهنما نیست، بلکه کتابخانه کوچک تخصصی است. قطع (اندازه) کوچک کتاب و عدم تزئین غنی آن موجب می‌شود تا حدس بزنیم که کتاب سفر، کتابی که می‌بایست جای کتابخانه بزرگ کیف را برای شاهدگان می‌گرفت، در مقابل‌مان قرار دارد. شاهدگان بیشتر زندگی خود را دائماً در سفر به سر می‌بردند، «منتخب سال ۱۰۷۶» مجموعه لازم‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین مطالب خواندنی شاهدگان در سفرها بود.» (لیخاچف، ۱۹۹۰، صص ۱۸۰-۱۸۱)

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب عدم پرداختن به توصیف زندگی شخصی افراد، نبودن عنصر تخیل و اسامی واقعی در آثار ادبی روسیه باستان و همچنین علاقه به انعکاس موضوعات و حوادث تاریخی و مسائل و مشکلات وطن، از ویژگی‌های اصلی آثار این دوره، یعنی ادبیات قرون وسطی روسیه است. همان‌طور که ملاحظه شد پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی و دولتی روسیه یکی از حوادث تاریخی بود که تأثیر به‌سزایی در توسعه و شکوفایی ادبیات روسیه باستان و همچنین در محتوای آثار این دوره داشت. اکثر آن‌ها پیرامون موضوعات مذهبی، اخلاقی و آموزشی‌اند. در اولین آثار ادبیات روسیه باستان، نقل و قول‌های مستقیم و غیرمستقیم زیادی از انجیل دیده می‌شود؛ در این آثار، نویسندگان با اشتیاق به موضوعات مذهبی و تاریخی روی می‌آوردند. در بعضی از سبک‌های ادبیات روسیه، مانند سالنامه نویسی، اسناد و مدارک تاریخی و بسیار قدیمی وجود دارند که در هیچ جای دیگری ثبت نشده است. همان‌طور که مشاهده شد ترجمه و گردآوری آثار مذهبی و اخلاقی هم در اوایل قرون وسطی رونق خاصی در ادبیات روسیه داشت.

منابع

نفیسی، سعید، «تاریخ ادبیات روسی»، چاپ دوم، تهران: ۱۳۶۸.

Качурин М.Г. *Русская литература*, 1995.

Коровина В.Я. *Литература 7*, М., 1998.

4- Изборник

1- Изборник 1073 г.

2- Изборник 1076 г.

Курдюмова Т.Ф. *Литература 9*, М., 1999.

Кутузов А.Г. *В мире литературы*, М., 1998.

Лихачев Д.С. *Труды Отдела древнерусской литературы*, т.XLIV, Л., 1990.

Рыбаков Б.А. *История СССР 8*, М., 1991.

Сахаров А.Н. и Буганов В.И. *История России с древнейших времен до конца 17 века*, М., 1999.